

## فن بیان در تدریس؛ عنصر فراموش شده

رضا بهنام‌فر\*

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی / مهر ۱۳۹۲؛ ۱۳(۷): ۶۲۳ تا ۶۲۵

## سردبیر محترم مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی

در تاریخ ۹۱/۷/۱۵ نوشته‌ای تحت عنوان "جای خالی آموزش فن بیان در دوره‌های تربیت معلم و دبیر" را در یکی از روزنامه‌ها [کیهان] به چاپ رساندم. جالب آن که نشریه [رشد] وابسته به وزارت آموزش و پرورش، پرداختن به موضوع آن نوشتار را در اولویت خود ندانست؛ هرچند که بعدها نوشته منتشر شده در روزنامه، در یکی از سایت‌های وابسته به آموزش و پرورش (شورای عالی آموزش و پرورش) نمایه شد.

از آنجا که کیفیت بیان اهمیت بسیاری در آموزش دارد، نوشتار یاد شده را با حذف و اضافه و در نظر گرفتن جامعه هدف (اساتید دانشگاه علوم پزشکی)، ارائه می‌نمایم. با این امید که تکرار و اشاره به اهمیت موضوع در تمامی سطوح آموزشی، توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران را به خود معطوف نماید.

روش سخنرانی در نظام‌های آموزشی، سابقه‌ای طولانی دارد (۱). با وجود روش‌های مختلف آموزشی، هنوز روش سخنرانی مرسوم‌ترین روش آموزشی در اکثر دانشگاه‌هاست (۲). یادگیری به روش سخنرانی برای همه در برهه‌ای از زمان اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا وسیله مناسبی برای ارائه اطلاعات پایه و انتقال علوم تجربی و حتی در برخی شرایط، مناسب‌ترین روش تدریس است (۳). نگاهی به نظام آموزشی کشور ما نیز نشان می‌دهد که روش تدریس غالب، روش سخنرانی است.

هیچ یک از روش‌های تدریس فی نفسه خوب یا بد نیستند، بلکه نحوه و شرایط استفاده از آنها است که باعث تقویت و ضعف‌شان می‌شود (۲). یکی از مسائل مهم در استفاده از روش تدریس سخنرانی، توجه به "کیفیت بیان" است. این، نکته‌ای پذیرفته شده است که اگر مدرسی با معلومات بسیار بالا در زمینه تحصیلی خود، قادر به انتقال مناسب مطالب نباشد؛ به عنوان یک مدرس اثربخش در نظر گرفته نخواهد شد. البته این موضوع هم صادق است که با گذشت زمان و افزایش سابقه تدریس و البته تکرار مطالب و در نتیجه "تسلط ناخودآگاه"، کیفیت ارائه مطالب و "بیان" بهبود می‌یابد. اما باید به یاد داشت امروزه فن بیان را یک علم قلمداد می‌کنند و در ارتباط با آن کتب بسیاری به چاپ رسیده است. بنابراین به نظر نمی‌رسد که صرف افزایش سابقه، باعث افزایش علمی و البته عملی در حد ایده‌آل "مهارت‌های بیانی" مدرس گردد، زیرا وی از ابتدا با اصول این علم آشنا نشده است. اما سؤال این است که تا زمان رسیدن به همان بهبود تجربی، ناخودآگاه و شاید ناکافی کیفیت بیان، دانشجویانی که در کلاس درس چنین اساتیدی حاضرند، چه وضعیتی دارند؟ آیا باید عده‌ای را "قربانی طبیعی" این مسأله بدانیم و به عنوان یک پدیده طبیعی، چشم بر روی آن ببندیم؟

\* نویسنده مسؤل: دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

reza82br@yahoo.com، ۰۹۱۳۳۵۱۴۳۲۹

دریافت نامه: ۹۲/۶/۹، تاریخ اصلاحیه: ۹۲/۶/۹، تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۰

نگاهی به کتب روش تدریسی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌گردند نشان می‌دهد که در این کتب صرفاً به معرفی روش‌های تدریس، بیان نظری نحوه اجرا و مزایا و معایب آنها پرداخته می‌شود؛ و البته از یک کتاب نیز جز بیان صحیح تئوری‌ها انتظاری نمی‌رود. بی‌شک وظیفه دانشگاه‌ها هم این نیست که صرفاً تئوری‌های روش تدریس را در قالب واحد درسی ارائه نمایند و معلم و مدرس را روانه نظام آموزشی نموده تا در آنجا ضمن کسب تجربه عملی به وظیفه آموزشی خود نیز بپردازد؛ هرچند باید این را هم اضافه کرد که آموزش عالی مسؤل تجربه‌اندوزی نیست.

نکته اینجاست که اکثر اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی به جز بعضی از رشته‌ها در طول دوره تحصیلات خود همین چند واحد تئوری روش تدریس را نیز نمی‌گذرانند؛ و آشنایی این اساتید با روش‌های تدریس به صورت علمی و البته تئوری، تنها در قالب شرکت در کارگاه‌های یک یا چند روزه ویژه اساتید است که توسط دانشگاه برگزار می‌گردد. هر چند همان‌گونه که گفته شد، تنها مطالعه و تدریس تئوری‌های روش‌های تدریس و به ویژه اشاره‌ای چند صفحه‌ای به روش سخنرانی، نمی‌تواند راه حل مناسبی برای آموزش اثربخش باشد. اما با این وجود به نظر می‌رسد که در ارتباط با اساتید دانشگاه‌های علوم پزشکی، در گام اول می‌بایست در برنامه آموزشی دوره دستیاری یا دکترای تخصصی (در رشته‌های مرتبط با علوم پزشکی)، درس دو یا سه واحدی روش تدریس در نظر گرفته شود تا در ارتباط با تئوری‌های تدریس و آموزش، آشنایی مقدماتی را به دست آورند. به هر حال فرصتی که در طول یک ترم برای تدریس یک درس وجود دارد، از طریق برگزاری یک کارگاه و انتقال مطالب به صورت خلاصه و فشرده به دست نمی‌آید. به ویژه این که متأسفانه به نظر نمی‌رسد که "احساس نیاز" چندانی برای این مطالب وجود داشته باشد. حال آن که ارائه یک درس در قالب برنامه آموزشی، البته به صورت جدی و نه به صورت یک درس بی ارزش و نامرتبط، علاوه بر در اختیار قرار دادن فرصت مناسب، می‌تواند این احساس نیاز را در فراگیران ایجاد نماید.

اما در ارتباط با فن بیان، به نظر می‌رسد که طرح این سؤال خالی از لطف نباشد که آیا بهتر نیست دانشگاه‌ها واحد درسی دیگری تحت عنوان "آموزش فن بیان" به برنامه درسی خود اضافه نمایند تا لااقل مدرسان آینده با ابتدایی‌ترین نیاز سخنرانی، یعنی تکنیک‌های بیان شیوا آشنا گردند و بتوانند در کلاس‌های درسشان مؤثرتر و کارآمدتر باشند؟ در واقع این امر به حدی فراموش شده و یا بی اهمیت قلمداد گردیده است که حتی دوره‌های کوتاه مدت آموزشی هم برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. یکی از راهکارهایی که تا زمان رسیدن به مرحله احساس نیاز در مسؤلین برنامه‌ریز می‌توان پیشنهاد داد این است که دانشگاه‌ها در طول دوره تحصیل دانشجویان مقاطع تکمیلی که بعدها شانس ورود به عرصه آموزش را دارند، سلسله دوره‌های کوتاه مدت آموزش عملی را داشته باشند تا در قالب یک فرایند آموزشی برنامه‌ریزی شده هدف‌مند در طول تحصیل با مفاهیم و اهمیت فن بیان آشنا گردیده و البته آن را در عمل آموخته و در آینده در امر آموزش به کار ببرند.

مجموع حرف‌ها، کلمه‌ها و کلا بافت ادبی جملات به مثابه جلد و جامه رویین گفتار است که نسبت به زیبایی، نظم و دقت در انتخاب آنها، موجب ترغیب شنونده به شنیدن آن می‌شود و مفاهیم را به سرعت بر دلش می‌نشانند (۴). شناخت هجاها و آواها و استفاده مناسب از آنها به "شنیده شدن استاد" که همانا هدف سخنرانی است، کمک می‌کند و بیان نامناسب یک سخنران (استاد) سبب قطع ارتباطش با شنونده (دانشجو) می‌گردد و بدین ترتیب انتقالی که بر پایه سخنرانی بنا گردیده دچار مشکل شده و به درستی صورت نمی‌پذیرد و کیفیت تدریس و یادگیری کاهش می‌یابد. پاره‌ای از مباحث مرتبط با فن بیان در کتب روش تدریس و در قالب مراحل سخنرانی ذکر شده‌اند؛ اما هدف این نوشتار تأکید بر اهمیت آن بخش از مباحث مرتبط با فن بیان است که در عرصه سینما، تئاتر و گویندگی مطرح و تدریس می‌گردند. زیرا به نظر نویسنده جای خالی آموزش این تکنیک‌ها به اساتید و معلمان که مهم‌ترین سخنرانان جامعه هستند احساس می‌شود. مدرس وظیفه انتقال مهم‌ترین مفاهیم را به مهم‌ترین شنوندگان جامعه بر عهده دارد. آگاهی از مباحثی همچون تن، ارتفاع و حجم صدا و شناخت هجاها و آواها و کاربرد و توجه به آنها در عرصه تدریس سبب خواهد شد تا مدرس همچون بازیگری که در

صحنه تئاتر با رعایت تکنیک‌های بیان، بیننده را مسحور خود می‌نماید، سبب به وجد آمدن دانشجوی و دریافت بهتر مطالب توسط او گردد.

باید به فکر افزایش کیفیت سخنرانی‌ها در کلاس درس بود و این تنها از طریق آموزش تئوری روش تدریس سخنرانی در قالب چند صفحه از یک کتاب روش تدریس امکان‌پذیر نیست. معلم بازیگر صحنه آموزش است. در این صحنه معلمی موفق‌تر است که آگاهی و دانش بیشتری داشته باشد و بتواند آنچه را که می‌داند با بیانی شیوا و اثرگذار به مخاطبش ارائه نماید.

## منابع

1. Shabani H. [Instructional Skills (Methods and Techniques of Teaching)]. 22<sup>th</sup> ed. Tehran: Samt; 2008.[Persian]
2. Golafrouz Shahri H, Khaghanizadeh M.[Introduction to oral presentation teaching method]. Science Journal of Educational Strategies in Medical Science. 2010; 2(4): 161-166.[Persian]
3. Safari M, Yazdanpanah B, Ghafarian H, Yazdanpanah SH.[Comparing the Effect of Lecture and Discussion Methods on Students` Learning and Satisfaction]. Iranian Journal of Medical Education. 2006; 6(1): 59-63.[Persian]
4. Vafa J. [Fane Baian va Sokhanvari]. Morabian. 2002; 1(2): 152-160 .[Persian]